

حمله وحشیانه اسرائیل به غزه، نسخه تازه‌ای از ترور بسم دولتی را به زیست جهانی معرفی کرد

ترور یک شهر

قبل و بعدش تأکید بر بدیش «حقوق» اسرائیل در حفاظت از «همراهیش» است. حفاظت از مرزها، با استفاده از تفنگ دوربین دار علیه کودکان و مردم بی‌سلاح و به قصد کشتن. در دوران ایپاما، وقتی اختلاف‌نظرهای دولت ایالات متحده با دولت اسرائیل بر سر تاکتیگها و مخالفت‌های نتانیاهو بسا برنامه‌های آمریکا کار را به ایزاز اختلاف اندک میان دو دولت کشاند، رسله‌های آمریکایی نام آن وضعیت را شدیدترین فاصله میان دو کشور تعبیر کردند. حمایت آمریکا از اسرائیل آن‌چنان محکم بوده که حالا خود آمریکا هم نمی‌تواند در مقابلش بایستد.



به کسی می‌گویند که مرگ در آینده بسیار نزدیک و محتمل‌تر است و در این فاصله هیچ کاری نخواهد توانست بکند. «مرد مرده» حتی راه رفتن، راه رفتن مرد مرده است. این بدیهی‌ترین نمایش پویایی و حیات هم از او انسان زنده نمی‌سازد. مرگ برای او فعل گذشته است. اگر چه در آینده واقع شده باشد.

حکم غزه صادر شده است. وکیل ندارد، قضی تجدیدنظری در کار نیست. جلد صور است. اعدای ما را در زندانی وسیع زیر آسمان رها کرده تا سر فرصت، سرگرم‌کننده‌تر جان آن‌ها را بگیرد. شاید مثل موشینه، در یک مراسم جشن، دسته‌دسته آن را قربانی قدم مهمان کند. در این فاصله اما اصراری به زنده نگه‌داشتن آن‌ها ندارد. امارها و گزارش‌ها از غزه، توصیف محل زندگی نیست. بسته‌بودن مرزها و راه‌های ورود و خروج در کنترل اشغالگر، دسترسی حداقلی و فطره‌چگانی به امکانات اولیه درمانی و بهداشتی، بیکاری ۷۰- درصدی، کمبود همه چیز که برای زندگی لازم است. اقامت در غزه، مجازات است. غزه، فلسطین، پنجره‌ای است به گذشته‌های دور، دورانی که در آن استعمار، روال روزمره دنیا بود و مردم مستعمره‌ها، در خاک نیاکشان، ارزشی کمتر از اموال اهالی استعمارگر داشتند. جان‌شان، مال‌شان، سلامت‌شان، آرامش‌شان، انسانیت‌شان، هیچ کدام به حساب نمی‌آید.

در طرف مقابل، اسرائیل به هر طریق همراهی آنچه جامعه جهانی خوانده می‌شود را کسب کرده. اعتراضی‌ها به «گزاران‌کننده» بودن رفتار اسرائیل، شاید حتی صادقانه باشند، اما از این حد فراتر نرفته‌اند و بعد است حالا بروند. رژیم صهیونیستی در راهبردی چندین ساله، هم‌زمان با دراختیارداشتن حمایت بزرگترین قدرتهای اقتصادی و نظامی، دیگران را به همراهانی گرچه بی‌میل، با بی‌تفاوت‌هایی گرچه ناراضی تبدیل کرده است. هژمونی روایت اسرائیل بسند ماجرا در صحنه افکار عمومی آن چنان قدرتمند است که هر صدای مخالف یا منتقدی را انگشت‌نما و طرد می‌کند. حتی وقتی اسرائیل مانند دیروز، کودکی مامعه را در میان قربانیانش دارد، موضع‌گیری اغلب چهره‌های ناچار به موضع‌گیری، «برای نگرانی» است که



زمانی که اتفاقاتی مانند انتفاضه در جریان بسود، عبارتی که در کلام ایرانیان و غیرایرانیان ناظر بر ماجرا گاهی تکرار می‌شود، این بود که یک امتیاز فلسطینیان، فقدان ترس از مرگ در آن‌هاست. شجاعتی که با نبود پرهیز از گلوله می‌آید، به آن‌ها اجازه می‌دهد، در مسیرهایی که قواعد نظامی نمی‌پذیرفت، پای بگذارند. هزینه ریسک مرگ، محاسبه شده بود و قابل پرداخت بود. وضع امروز راهبیمایان غزه اما حکایت دیگری دارد. اگر آن روز، فقدان بازماندگی احتمال مرگ، یکی از ابزارهای محدود فلسطینیان بود، امروز این آخرین تیر تر کش آن‌هاست که حتی به امید پیروزی هم پرتاب نمی‌شود. منطقه گسترده‌ای هموار، زیر دید تکتیراندازهایی که هیچ دغدغهای بابت شلیک ندارند، بلکه تمام و کمال، ترجیح می‌دهند بزنند. در اهدافشان هم تبعیضی قائل نیستند، به گواه گزارش‌ها، نیروهای امدادی، خبرنگارها و کودکان هم هدف خواهند بود. برای پای‌نگذاشتن در چنین مسلخی، ترسیدن از مرگ کافی نیست. اسرائیل حالا سرنوشته محتوم این مردمان مرگ تعیین کرده و انتخاب چگونه مردن را پیش‌روی آن‌ها گذاشته. بی‌رحمی و بی‌ملاحظه‌گی اسرائیل در کشتن، اتفاق جدید نیست. آنچه دیروز دیدگان جهانیان را میبهوت کرده، شورش فلسطینیان در مقابل مرگ است. مردمی که زمانی در راه هدف خطر مرگ را به جان می‌خریدند، حالا مرگ را هدف گرفتند.

در سمت حامیان مردم فلسطین، نشانه چندانی از راه‌حل در کار نیست. «راه‌حل نظامی» در مقابل رژیمی که آنچه ارتش در دنیاست در کنار خود دارد، امیدوارانه به نظر نمی‌رسد. قدرت و همبستگی لازم برای راه‌حل‌های سیاسی نیز در میان هواداران فلسطین نیست. شاید در میان مردم جهان، «هواداران فلسطین» چندان در اقلیت نباشند، اما در میان دولت‌ها، برای شمارش حامیان فلسطین به انگشت‌های زیادی نیاز نخواهد داشت. میان مسلمانان، حتی تظاهر به وحدت هم دیگر خریدار ندارد. عربستان سعودی تارفاً را کنار گذاشته و از میان همین مسلمانان در مقابل کشور مسلمان دیگری، ایران، هم‌پیمان می‌خرد. جمعیت انبوه مسلمانان، شاید با اتحاد با یکی دو کشور، قدرتمند از میان‌شسان می‌توانستند کاری صورت دهند اما فعلاً آرزوی چنین اتحادی هم خامی است.

برای اسرائیل، وجهه عمومی مهم است. شدت جنایت‌ها از سر بی‌توجهی به این وجهه نیست، بلکه در مدیریت مسلط بر صحنه گفت‌وگوی عمومی ریشه دارد. در این میان اما آنچه این بازی را به هم زده، ابزار عوام‌گرایانه اینترنت است. عوام‌گرایی همیشه منفی نیست و در این مسئله، شبکه‌های اجتماعی، هم اطلاعات را به سرعت و با فاصله بیشتری از کنترل قدرت‌ها به مردم کشورها می‌رسانند و هم واکنش آن‌ها را به یکدیگر و به رهبرانشان، این ششاید آخرین بارقه امید برای باز شدن راه‌های دیگر باشد. فشار کافی از سوی مردم نشانه مهم اهمیت این رویکرد برای اسرائیل نشانه‌رفتن ایرانیان و همسایگان فرهنگی‌شان است. در همان فضای مجازی، توییت التماس گونه حساب کاربری فارسی اسرائیل برای قانع کردن فارسی‌زبانان در همین راستاست که: «پلور کنید! آخرین گزینه ماست». در مقابل این توییت و تلاش‌های وابستگان و هم‌بیمانان و هواداران این رژیم، البته فعالیت گسترده‌ای از سوی مخالفان آن هم در موقیعت‌های این چنینی دیده می‌شود. ایرانیان هم سهم کافی در این میان بازی می‌کنند. البته، اگر اینترنت وصل شود و فیلترشکن کار کند.

نیاز به تکرار دارد، فشار کافی از سوسی مردم کشورها شاید آخرین راه وقوع معجزه‌ای است که برای نجات جان، حتی نه لزوماً خاک، جان فلسطینیان غزه لازم است. شاید دنیا بعد از این همه سال سکوت، چنین قیامی به خودش بدهد. کار است. شاید غزه اولین نمونه قیام «مردم» نباشد و تغییر الگوی حاکمیت‌ها، شاید مردمی‌تر شدن سیاستمدارها، عاقل‌تر شدنشان، دیپلمات‌باشند، برای ایجاد همبستگی بین کشورهایی که ممکن است بتوانند در مقابل اسرائیل بایستند، تاریخ را به صفحه‌های سفید ورق بزنند. «شاید» تر از همه این‌ها برای معجزه، سربر آوردن سیاستمداری نو در صحنه آمریکاست که قواعد را به شکلی دیگر بر هم بزند. آمدن ترامپ ثابت کرد، پیش‌بینی‌ها و قواعد هر دو قابل شکستن‌اند. شاید ممکن است «مردم» آمریکایی که اصلی‌ترین حامی بالای اسرائیل است، قیام کنند و به جای دیوانه‌ای مثل ترامپ، «دیوانه‌ای» از جنسی دیگر بر کرسی بنشانند. امید برای نجات فلسطین، به اندازه امید برای وقوع این معجزه‌هاست. شاید برای همین است که انسان‌هایی در یک گوشه دنیا تصمیم می‌گیرند، باقی‌مانده جسم و جان‌شان را در دست بگیرند و به میان آتش گلوله‌های خندان اسرائیلی بروند.

تصاویر دو صفحه از: AFP / Getty Images / Reuters



Asaf Ronel

فادی ابوسلمی (ابو‌صلاح) سوژه این عکس مشهور، همان دوشنبه هدف گلوله سربازان اسرائیلی قرار گرفت و شهید شد.

